

ایران

مساحب امتیاز: خبرگزرای جمهوری اسلامی مدیر مسئول: مهدی شفیع‌ی سردبیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/ ۰۳ | اذان مغرب ۲۰/ ۰۲ | نیمه شب شرعی ۰۵/ ۱۸ | اذان صبح فردا ۴/ ۵۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/ ۲۲

امام‌علیه‌السلام:

هرکس با زشتی سبکسری‌تو را خشمگین کرد تو با زیبایی بردباری او را به خشم آور.

سخن روز عیون‌الحکم‌والمواعظ(لینی) ص ۴۰،ح ۸۳۵۸

نگاره
سپهیل محمدی

نگاره
سپهیل محمدی

درس‌هایی از شیخ اجل برای امروز

سعدی ما کیش ما

پیش‌ترهایک‌جایی‌گفتم‌ما‌دونوع‌فکر‌داریم‌و‌چکیده‌این‌دو‌نوع‌هم‌یکی‌حافظ‌است‌و‌دیگری‌آقای‌سعدی‌علیه‌الرحمه‌یک‌آدم‌هایی‌

رمز‌و‌رازهای‌حافظانه‌را‌دوست‌دارند‌و‌خودشان‌هم‌همین‌طوری‌رمزدار‌هستند‌و‌بعضی‌ها‌هم‌مثل‌همین‌آقای‌سعدی‌خودمان‌آدم‌های‌سراستی‌هستند‌و‌رازآمیز‌حرف‌نمی‌زنند‌هر‌حرفی‌توی‌دل‌شان‌است‌صریح‌و‌روشن‌

بیان‌می‌کنند.‌اگر‌عاشق‌کسی‌پشوند‌رک‌و‌راست‌توی‌چشم‌طرف‌نگاه‌می‌کنند‌و‌می‌گویند‌که‌دوستش‌دارند‌وحاشیه‌نمی‌روند.‌به‌نظر‌من‌در‌این‌زمینه‌ها‌سعدی‌آدم‌بسیار‌موفقی‌است.‌البته‌که‌اردیبهشت‌که‌بهترین‌ماه‌هاست‌با‌اسم‌سعدی‌گره‌خورده‌و‌همان‌روز‌اولش‌آقای‌سعدی‌با‌نامش‌حال‌مان‌را‌خوش‌می‌کند.‌من‌سعدی‌باز‌هستم.‌آیم‌با‌جناب‌حافظ‌توی‌یک‌جوی‌نمی‌رود.‌او‌یک‌آدم‌بسیار‌سفرکننده‌است.‌من‌این‌شکل‌سعدی‌را‌دوست‌دارم.‌خیلی‌خوش‌می‌گذرد‌آدم‌کوله‌اش‌را‌روی‌دوشش‌بیندازد‌و‌با‌اولین‌هولایم‌به‌اولین‌شهر‌برود‌و‌بعد‌همین‌طوری‌آدم‌دار‌سفر‌کند،‌البته‌که‌زمان‌سعدی‌از‌این‌خبرها‌نبوده‌اما‌سعدی‌نشان‌داده‌که‌برایش‌هولایما‌اهمیتی‌نداشته‌و‌تا‌دلش‌خواسته‌سفر‌کرده‌و‌حالا‌فکر‌کنید‌اگر‌او‌در‌زمان‌حال‌بود‌چقدر‌سفر‌می‌کرد؟‌این‌است‌که‌او‌خارق‌العاده‌است.‌او‌شگفت‌انگیز‌است.‌او‌نمونه‌و‌همتا‌ندارد.‌

اما‌بعضی‌ها‌می‌گویند‌اصلا‌معلوم‌نیست‌او‌این‌سفرها‌را‌که‌رفته‌باشد.‌اما‌باز‌هم‌او‌آدم‌بسیار‌سفرکننده‌می‌دانم.‌اتفاقاً‌ارزش‌کار‌او‌اینجا‌بیش‌تر‌است‌چون‌او‌سفرهای‌خیالی‌خوبی‌را‌رقم‌زده‌است.‌

در‌میان‌سعدی‌بازها‌بعضی‌ها‌حکایت‌باز‌هستند‌

ضد آفتاب مرغوب

سنگون سه‌شنبه



به‌الدین‌مرشدی‌داستان‌نویس

و‌بعضی‌هم‌غزل‌باز.‌من‌اینجا‌جزو‌غزل‌بازها‌هستم.‌هر‌صبح‌سعدی‌را‌از‌کنار‌تخت‌بر‌می‌دارم‌و‌غزلی‌از‌سعدی‌می‌خوانم‌و‌هربار‌هم‌شگفت‌زده‌می‌شوم.‌«کجا‌روم‌که‌دل‌م‌پاییند‌مهر‌کسی‌است.‌سفر‌کنید‌رفیقان‌که‌من‌گرفتم»‌

من‌حکایت‌باز‌نیستم‌اما‌هروقت‌نام‌آقای‌سعدی‌را‌می‌شنوم‌تنها‌یک‌حکایت‌را‌به‌یاد‌می‌آورم.‌اصولا‌من‌آدم‌کم‌و‌وبی‌حافظه‌ای‌هستم.‌اما‌این‌حکایت‌را‌همیشه‌دوست‌دارم.‌حکایتی‌که‌در‌خودش‌سفر‌زیاد‌دارد.‌سفر‌که‌علاقه‌من‌است‌اما‌علاقه‌دیگرم‌سفر‌به‌جزیره‌کیش‌است.‌همان‌حکایتی‌که‌آقای‌سعدی‌با‌بازرگانی‌در‌جزیره‌ای‌در‌کیش‌نشسته‌و‌حرف‌می‌زند.‌این‌حکایت‌وحشتناک‌است‌به‌لحاظ‌زیبایی.‌در‌اینجا‌بازرگان‌می‌گویند‌می‌خواهم‌یک‌سفر‌بروم‌و‌این‌آخرین‌سفر‌من‌است‌و‌آقای‌سعدی‌می‌گوید:‌«آن‌کدام‌سفر‌است؟»‌و‌بازرگان‌می‌گوید‌اگر‌فلان‌جنس‌را‌از‌فلان‌جا‌به‌فلان‌جا‌ببرم‌و‌از‌آنجا‌فلان‌چیز‌را‌به‌فلان‌جا‌ببرم‌و‌جنس‌فلان‌جا‌را‌به‌فلان‌جا‌ببرم‌و‌بعد‌به‌فلان‌جا‌فلان‌جنس‌ببرم‌و‌فلان‌و‌فلان‌و‌فلان‌و...‌دیگر‌خودم‌را‌بازنشسته‌می‌کنم.‌اینجاست‌که‌سعدی‌حرف‌درخشان‌ی‌می‌زند:‌«گفت‌چشم‌تنگ‌دنیا‌دوست‌را،‌با‌قناعت‌پر‌کند‌یا‌خاک‌گور»‌اما‌غیر‌از‌اینکه‌سعدی‌فقط‌حکایتش‌را‌در‌جزیره‌کیش‌روایت‌کرده‌و‌من‌کیش‌را‌دوست‌دارم‌اما‌کیش‌و‌ساختار‌اقتصادی‌و‌تجاری‌این‌جزیره‌را‌بخوبی‌نشان‌می‌دهد.‌کیش‌در‌اینجا‌محل‌رفت‌و‌آمد‌و‌تجارت‌است‌درست‌عین‌ساختاری‌که‌الان‌برای‌کیش‌در‌نظر‌گرفته‌شده‌است.‌اما‌امیدوارم‌مسئولان‌فرهنگی‌کیش‌به‌این‌شعر‌سعدی‌رجوع‌کنند‌و‌بحث‌سفر‌و‌گردشگری‌و‌تجارتی‌که‌در‌این‌حکایت‌است‌را‌به‌امری‌فرهنگی‌تبدیل‌کنند‌و‌از‌سعدی‌به‌عنوان‌یک‌نماد‌استفاده‌کنند‌و‌او‌را‌به‌نفع‌خودشان‌مصادره‌کنند.‌این‌حرف‌را‌یک‌شیزاری‌می‌گویند‌که‌در‌کیش‌زندگی‌می‌کنند.‌

محمدعلی کشاورز:بحران‌ها

بر هنرمندان تأثیر عمیقی می‌گذاردند

هنرمندان افرادی هستند که لطافت روحی آنها نسبت به دیگر آحاد جامعه به مراتب بیشتر است و در مواجهه با بحران‌ها، از جمله کرونا و تمامی عواقب تلخ و غمبار آن، زخم‌های آکنده از این بحران، عمیق‌تر و شدیدتر و اثرگذاری بیشتری بر هنرمندان جامعه دارد.

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با ایرنا

در حاشیه زادروز قیصر امین‌پور

گریزان از میان مایگی

قیصر امین‌پور بیش از ربع قرن شعر سرود و منتشر کرد. در طول این سال‌ها همچنان حرف دلش را سرود. اگر عاشقانه نوشت، عاشقانه‌هایش با صدق عاطفی اصیلی آمیخت. اگر شعرهایی با درونمایه‌هایی از اجتماع پیرامون و جهان واقع نوشت، آن را با درد و دریغ راستین سرشت. از سر همراهی با جماعت و سفارش این و آن چیزی ننوشت. بی‌گمان او هم غم نان داشت؛ اما برای نان شعر نسرود. به پسند و ناپسند دربارهای شعر نیندیشد. رسم قاب و قاب مرسوم را تاب نمی‌آورد. با خود و انسان و جهان یگانه شده بود. در سروده‌های جامعه‌گرایانه‌اش، در عین اینکه به ارزش‌های سیاسی و اجتماعی‌اش وفادار ماند، آرام آرام بعد جمال‌شناسی را بر سویه‌های دیگر شعر ترجیح داد. به مرور، رنگ زیبایی‌شناختی آثارش جلا و جلوه‌های تازه‌تر یافت. انسان همواره موضوع و محور شعر او باقی ماند؛ اما چندوچون دردها و حرف‌های این انسان در کارنامه شعری قیصر یک‌رنگ نیست. تکامل طیف رنگ انسان‌گرایی در شعرش، گویای دگرگونی‌های اندیشه اوست که هر انسان خردمند و جست‌وجوگری گریزی از آن ندارد. به قول معروف به «حرف مرد یکی است» باور نداشت. در پژوهش‌هایش هم بر همین گمان

بود و به «کمال مطلق» و «حرف آخر» اعتنایی نداشت. کشف و شهود نرمان‌رم او در بازخوانی دفترهای شعرش آشکار است. هم‌زمان که از ستیغ‌های برف‌گیر و جان‌فرسای آرمان‌گرایی به دامنه‌های سرسبز و دلپذیر واقع‌گرایی

حرف روز



علی یاری پژوهشگر

شعر نسرود. به پسند و ناپسند دربارهای شعر نیندیشد. رسم قاب و قاب مرسوم را تاب نمی‌آورد. با خود و انسان و جهان یگانه شده بود. در سروده‌های جامعه‌گرایانه‌اش، در عین اینکه به ارزش‌های سیاسی و اجتماعی‌اش وفادار ماند، آرام آرام بعد جمال‌شناسی را بر سویه‌های دیگر شعر ترجیح داد. به مرور، رنگ زیبایی‌شناختی آثارش جلا و جلوه‌های تازه‌تر یافت. انسان همواره موضوع و محور شعر او باقی ماند؛ اما چندوچون دردها و حرف‌های این انسان در کارنامه شعری قیصر یک‌رنگ نیست. تکامل طیف رنگ انسان‌گرایی در شعرش، گویای دگرگونی‌های اندیشه اوست که هر انسان خردمند و جست‌وجوگری گریزی از آن ندارد. به قول معروف به «حرف مرد یکی است» باور نداشت. در پژوهش‌هایش هم بر همین گمان

بود و به «کمال مطلق» و «حرف آخر» اعتنایی نداشت. کشف و شهود نرمان‌رم او در بازخوانی دفترهای شعرش آشکار است. هم‌زمان که از ستیغ‌های برف‌گیر و جان‌فرسای آرمان‌گرایی به دامنه‌های سرسبز و دلپذیر واقع‌گرایی

بین این دو خط».

در گفت و گوی اختصاصی با مسئول بهبود کسب و کارهای فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

معیشت و روزگار اهل هنر حدیثی پر آب چشم است

درست از اوایل اسفند ماه که ویروس کووید ۱۹ آمد و مردم ایران را خانه‌نشین کرد و اکثر کسب و کارها بخصوص اهالی فرهنگ و هنر تعطیل شد، اوضاع معیشتی آن دسته از اهالی فرهنگ و هنر که حقوق ثابت نداشتند و از طریق فروش آثارشان یا به‌روزی صحنه پردن اجرایشان امرار معاش می کردند با

بحران مواجه شد. بحرانی که هر روز با ادامه دار شدن قرنطینه سایه تاریکی بر زندگی این قشر مظلوم افکنده است. در این مدت بیشتر اهالی هنر به فضای مجازی روی آوردند و آثارشان را یا به صورت مستقل یا از طریق برخی سازمان‌های دولتی مثل سازمان فرهنگی هنری شهرداری به صورت آنلاین اجرا کردند؛ اما هنوز حمایت مالی نشده اند. لادن حیدری معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اکنون مسئول بهبود محیط کسب و کارهای بخش فرهنگ و هنر است. جلسات بسیاری با وزیر فرهنگ داشته است تا مشکلات بخش فرهنگ و هنر را مرتفع و خسارات وارده را تخمین‌زند. حیدری در این گفت و گو در مورد نحوه حمایت‌های وزارت فرهنگ و رسیدگی دولت به قشر آسیب دیده فرهنگ و هنر پاسخ می دهد.

■ اکنون که تمام مراکز فرهنگی و هنری، اعم از سینماها، سالن‌های تئاتر و گالری‌ها و... تعطیل شده اند، اهالی فرهنگ و هنر مثل خیلی از کسب و کارها متضرر شدند. وزارت ارشاد چه سیاست‌های حمایتی از اهالی فرهنگ و هنر در دوران قرنطینه در نظر دارد؟

با بروز بحران همه‌گیری کرونا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف بود تا ضمن اجرای مصوبات ستاد بحران، نسبت به پیامدهای اقتصادی و چگونگی جبران خسارات وارده بر اقتصاد فرهنگ و هنر نیز تدابیر لازم را ببیند؛ چ‌را که مراکز فرهنگی و هنری به عنوان کانون‌های تجمع و مراجعه همگانی در اولین روزهای بحران، فعالیت‌شان متوقف شد، بطوری که تعطیلی این صنوف، تاکنون نیز ادامه دارد. در این راستا سه دسته اقدام آغاز شد که عبارتند از: تدوین و پیشنهاد بسته‌های حمایتی، برآورد میزان خسارات وارده و رایزنی‌های لازم برای جلب حمایت‌های همه جانبه دولتی در جبران خسارت کسب و کارهای بخش فرهنگ و هنر. نخستین اقدام مؤثر در این زمینه، درج کسب و کارهای زیان‌دیده بخش فرهنگ و هنر در شمار کسب و کارهای مشمول مصوبات حمایتی هیأت دولت و بانک مرکزی بود. این مهم با درج کسب و کارهای فرهنگی، هنری، رسانه‌ای و سینمایی (نظیر انتشارات، کتابفروشی‌ها،

ضیاء موحد: سعدی

غیر قابل تقلید ترین شاعر ایران است

باید به زیبایی زبان و هنر سعدی، نحوه گفتار و سبک غیر قابل تقلیدش توجه کنیم. سعدی غیر قابل تقلیدترین شاعر ایران است. از شاعران دیگر می‌شود تقلید کرد، اما اگر کسی بخواهد از سعدی تقلید کند، خیلی زود متوجه آن می‌شویم و این خیلی هنر است. بخشی از گفت‌وگوی این شاعر با ایسنا



در حاشیه زادروز قیصر امین‌پور

سررازیز شد، سپر آرمان‌هایش هم گسترده‌تر شد؛ اما همچنان شاعری وفادار به اوضاع جامعه نشان می‌داد. کم‌کم به دیدگاهی انتقادی‌تر به مسائل روزمره زندگی دست یافت. سخنش عمقی انسانی‌تر گرفت. دماسنج مصلحت‌اندیشی‌اش با سرد و گرم اهل زمانه بالا و پایین رفت. هرچه نوشت، به آن باور داشت. همواره در جست‌وجوی عشق و صلح بود. بعدها از هر طرف که دزدیدند، او با خودش هم‌جهت بود. برای خوش‌آمد و بد‌آمد دیگران چیزی نسرود. اسیر زنده‌باد و -احیاناً- سرزنش‌های آشنا و بیگانه نشد. حال و هوای شعرش را به تناسب تحول فکری خودش دگرگون کرد و به این نیندیشید که دوستانش «شعر مضاف» را بر «شعر مطلق» ترجیح می‌دهند؛ شعرش را خالی از جسارت‌های ارزشمادرانه پیشین ارزیابی می‌کنند؛ حرف‌هایش را «بی‌خاصیت» می‌پندارند؛ او را دیگر «روایتگر بی‌حس و حال خودش» می‌خوانند. هرچه گفتند او راه خودش را رفت. همیشه راه خودش را رفته بود. گرچه گمان می‌کنم او همیشه «شعر مضاف» سرود. درد و دریغ و دغغنه انسان همیشه (مضاف) شعر او بود؛ گیریم از جنس و رنگی که او خود تشخیص می‌داد. از قید و بندها رها شده بود و «نیمه پر لیوان» را می‌نگریست. روزگار آمانش را بریده بود. بیماری، او را میان خانه و بیمارستان به نوسان در آورده بود. به‌یک‌باره یک‌پیر و شکسته شده بود؛ اما دلش شاد بود؛ زیرا که هر طور دلش می‌خواست، جولان می‌داد: «این روزها که می‌گذرد/ شادم/ زیرا/ یک سطر در میان/ آزادم/ و می‌توانم/ هر طور و هر کجا که دلم خواست/ جولان دهم/ در بین این دو خط».

بین این دو خط».

در گفت و گوی اختصاصی با مسئول بهبود کسب و کارهای فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

...

آیامی‌توانم‌مطمئن‌باشم‌که‌بعداز‌این‌هستی‌دیگری‌وجود‌دارد؟‌آیا‌ما‌غباری‌بیش‌نیستیم‌که‌به‌مو‌بالند‌می‌شود‌و‌رو‌بادی‌آن‌را‌پراکنده‌می‌کند؟‌اما‌این‌انسان‌چیس‌ت‌ارزش‌یک‌انسان‌چقدر‌است؟...ز‌مان‌چیس‌ت‌؟‌رو‌یای‌غیر‌ممکن‌ها‌نام‌مخصوصی‌دارد‌که‌به‌آن‌امیدمی‌گوییم.

دختر پرتقالی‌نویسنده: یوستین گورد‌مترجم: مهوش خرمی‌پور

تکذیب مجدد خبر فوت محمدرضا شجریان

شایعه درگذشت محمدرضا شجریان برای چندمین بار خبرساز شد؛ شایعه‌ای که تازگی ندارد و برای چندمین بار سر از شبکه‌های اجتماعی درآورده است.

حسن عباسی هماهنگ‌کننده گروه پزشکان معالج محمدرضا شجریان ضمن تکذیب این خبر به شایعه‌پرندگان هشدار داد که مراقب تبعات حقوقی اقدامات‌شان باشند. عباسی که از دوستان نزدیک محمدرضا شجریان هم است، در گفت‌وگو با مهر گفت: «آیا افراد یا اشخاصی که نام‌های نا آشنا هم دارند و در صفحه‌های مجازی نسبت به انتشار چنین اخباری اقدام می‌کنند، در جریان هستند که انتشار چنین اخباری قابلیت پیگیری قضایی از طریق تیم حقوقی و خانواده استاد شجریان دارد؟».

او همچنین درباره وضعیت درمان این خواننده اضافه کرد: «در روزهای اخیر و بعد از مرخصی ایشان از بیمارستان تقریباً روزی دو بار در جریان اوضاع درمانی‌اش قرار می‌گیرم و باید بگویم خوشبختانه حال او اکنون از هر زمان دیگری بهتر شده و ما به‌شدت روی مآجرای درمان استاد کنترل داریم».

محمدرضا شجریان که از چند سال پیش تحت درمان است زمستان سال پیش برای پیگیری‌های پزشکی راهی بیمارستان شد اما شایعه درگذشتش به قدری بالا گرفت که ماهیون شجریان مجبور شد با انتشار تصاویری از علائم حیاتی پدرش به آن واکنش نشان بدهد.

شجریان مدتی بعد از حواشی زمستان پارسال از بیمارستان مرخص شد و این روزها همچنان در منزل دوران نقاهت را پشت سر می‌گذارد.

در گفت و گوی اختصاصی با مسئول بهبود کسب و کارهای فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد

معیشت و روزگار اهل هنر حدیثی پر آب چشم است

بسته‌های حمایتی نیز از سوی صندوق اعتباری هنر برای رفع نیازهای معیشتی اعضای آن در بحران کرونا تدوین شده است که ب‌یگبر تحقق و تصویب‌شان هستیم. از سوی دیگر در حال رایزنی و رفع موانع قانونی برای حمایت از آن دسته هنرمندان و فعالان فرهنگی و هنری هم بوده ایم که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند، مشمول حمایت صندوق اعتباری هنر باشند. در این شرایط بحرانی و با توجه به وضعیت اقتصادی و توان و اولویت‌های دولت خدمتگزار، تلاش داریم از هر طریق ممکن، مشکلات موجود در این مسیر را از میان برداریم و بتوانیم با دریافت حمایت‌های حداکثری، تخصیص‌های لازم برای تأمین خسارت بیکاری و مستمری هنرمندان و فرهیختگان فرهنگی را تصویب کنیم. امیدواریم همانگونه که وزیر محترم اعلام کرده‌اند با تلاش‌های مستمر ایشان در این رکود بحرانی خبرهای خوشی دریافت کنیم و چرخ بخت اهل هنر هم سبز شود.

■ سیاست‌های وزارت فرهنگ بعد از دوره کرونا در خصوص جبران خسارت وارده به هنرمندان چیست؟

به عنوان مسئول بهبود محیط کسب و کارهای بخش فرهنگ و هنر، همانگونه که شرح دادم، تلاش‌هایمان از هم‌اکنون برای جلب حمایت‌های دولتی در جبران خسارت‌های وارده آغاز شده است و دوباره تأکید دارم که موضوع حمایت از کسب و کارهای زیان‌دیده را به دوران پساکرونا، موکول نکرده ایم. البته سخن گفتن از تغییرات در محیط کسب و کارهای فرهنگی و هنری با توجه به رواج ارائه‌های مجازی آثار و تولیدات هنری ازین پس امرغریبی نیست و بدون تردید با برنامه‌ریزی‌های دقیق بایستی راهبردهای لازم دوران پساکرونا نیز طراحی و اجرا شود که خود مستلزم همراهی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران ارشد کشور است تا اهداف ما برای رونق دوباره اقتصاد فرهنگ و هنر به عنوان منقود اقتصادی که خود تقویت‌کننده و خود سامان‌ده‌است، محقق شود.

■ در دوره قرنطینه که بخش هنری شهرداری، پردیس تئاتر را ایزوله قرار می‌دهد تا به صورت آنلاین برای مردم برنامه اجرا کنند، چرا وزارت فرهنگ این کار را نکرد. آیا برنامه خاصی برای حمایت در نظر دارد؟

فعالان هنری و فرهنگی پس از اعمال محدودیت‌های ستاد ملی کرونا در سراسر کشور، برای همدلی با هم میهنان عزیز و کمک به تاب‌آوری آنان در دوران خانه‌نشینی، اقدام به اجرا و ارائه آنلاین آثارشان کردند. معاونت امور هنری وزارتخانه نیز در این مدت همکاری تنگاتنگی با هنرمندان و نیز شهرداری تهران برای اجرای برنامه‌هایی در زمینه موسیقی، هنرهای تجسمی، تئاتر و مد و لباس و نیز نمایش آثار خارجی و ایرانی گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران با معرفی کامل اثر در فضای مجازی داشته است که اخبار آن به‌طور مرتب منتشر می‌شود و برای انعکاس دقیق‌شان می‌توانید با روابط عمومی این معاونت ارتباط داشته باشید.

آغاز خرید

و فروشگاه‌ها باز شده‌اند، ترافیک و مترو و رفت و آمد به حالت قبلی برگشته، واقعاً چرا نباید مساجد و زیارتگاه‌ها باز شوند؟ اجرای ضوابط بهداشتی در آنها حتماً خیلی آسان‌تر از انصاف است.» «با زکشافی پاساژها و بازارها و تا ساعت ۶ بعد از ظهر؟! واقعا؟! کرونا فقط شیفت شب کار می‌کند؟!»، «صاحب پاساژ ما اون به ماهی که دولت تعطیل کرده، کراپ‌ها رو بخشیده»، «جدای اینکه این مدت‌ام کار می‌کردم و درآمد داشتم، الان دارم به‌طور رسمی میرم سر اون یکی کارم و خیلی جالبه و هیجان زدم باید خودمو نگه دارم در و دیوار پاساژ رو بفیل نکنم و فشار ندم»، «حالا که به قرنطینه عادت کردم کرم پاساژ باز شده باید برم مغازه»، «آماده یک فاجعه عظیم انسانی باشید. بازار تهران شروع به کار کرد»، «بازار به جوری شلوغه که منتظرم کووید ۲۰ خبرش بیاد».

پاساژ‌ها و مراکز خرید بعد از یک‌ماه تعطیلی کارشان را آغاز کردند. البته در ساعت‌های مشخص و محدود. به این بهانه کسانی که در پاساژها مغازه دارند و به محل کار رفتند از حال و هوای آنجا می‌نوشتند و خرید مردم. البته خیلی‌ها هم معتقد بودند بازگشایی پاساژها اشتباه بوده و منجر به رشد بیماری کرونا می‌شود: «واقعا فک نمی‌کردم ملت انقدر خرید لازم باشن بیان پاساژ»، «گفته پاساژ‌ها تا ساعت ۱۶ قشنگ معلومه که نمی‌دونن فروش آقای پاساژ عصر به بعد، در مغازه‌دار مغازش بازه ولی فروش نداره و صاحب مغازه هم دیگه کراپ‌ایه».

رو میگیره»، «خب امروز اومدیم تو پاساژ جز تریک سال نو و احوال‌پرسی چیز دیگه‌ای عایدمون نشده»، «مغازه‌ها و رستوران‌ها

برای تو نگه میدارم؛ که همه بر سر رزباند و تو در میان جانی... برای تو که دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی.»، «به‌نظرم هرکس که زبان فارسی می‌دونه باید حداقل یک بار در عمرش آثار شاعر سلیم‌النفس، خسرو شیرین دهان پارسی، سعدی علیه‌الرحمه رو بخونه.»، «(سعدی با اون غزلیات عاشقانه دیونه کننده، بنظرم همه‌مون رو سرکار گذاشته، خودش احتمالاً این‌طوری زندگی کرده که می‌گه: به‌هیچ‌با مده خاطر و به‌هیچ‌

دیوار/ که برویجر فراخ است و آدمی بسیار... خنک کسی که به شب در کنار گیرد/ دوست/ چنانکه شرط وصالست و بامداد کنار. دم‌ت گرم و روزت مبارک/ «انگار برای خودش گفته: که تو زیباتر از آنی که کنم صنف و بیات»، «(برای من از حنجره محمدرضا شجریان خوش است.»، «خود حافظ هم وقتی دمق بود سعدی می‌خوند».

شهر وند مجازی

یگانه خدایی

برای تو نگه میدارم؛ که همه بر سر رزباند و تو در میان جانی... برای تو که دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی.»، «به‌نظرم هرکس که زبان فارسی می‌دونه باید حداقل یک بار در عمرش آثار شاعر سلیم‌النفس، خسرو شیرین دهان پارسی، سعدی علیه‌الرحمه رو بخونه.»، «(سعدی با اون غزلیات عاشقانه دیونه کننده، بنظرم همه‌مون رو سرکار گذاشته، خودش احتمالاً این‌طوری زندگی کرده که می‌گه: به‌هیچ‌با مده خاطر و به‌هیچ‌

دیوار/ که برویجر فراخ است و آدمی بسیار... خنک کسی که به شب در کنار گیرد/ دوست/ چنانکه شرط وصالست و بامداد کنار. دم‌ت گرم و روزت مبارک/ «انگار برای خودش گفته: که تو زیباتر از آنی که کنم صنف و بیات»، «(برای من از حنجره محمدرضا شجریان خوش است.»، «خود حافظ هم وقتی دمق بود سعدی می‌خوند».